



The Role of Elementary Schools in Achieving Gender Educational Justice in Iran's Educational System

Negar Arshadi ^{*1}, Hananeh Salimi ², Shakiba Javanmardi ²

1 Bachelor of Elementary Education, Fatemeh Zahra Campus Farhangian University, Isfahan

2 Bachelor of Elementary Education, Fatemeh Zahra Campus Farhangian University, Isfahan*

Corresponding author: negararshadi2@gmail.com

Received: 2024-09-15

Accepted: 2024-10-19

Abstract

Educational justice is one of the main debates in every educational system and it plays an important and significant role in the growth and development of countries and improving the indicators of equality and human excellence. This research has been carried out in a descriptive and library-type way with the aim of investigating the role of elementary schools in achieving gender educational justice in Iran's educational system. The findings of the research indicate that schools by moving towards intelligentization, by creating the possibility of integrating information technology and curricula and creating the possibility of access to a world of curriculum-related information, centered on justice and reducing gender and educational inequalities in education opportunities and Education can create the necessary opportunities for students to try individually and based on their learning abilities.

Keywords: Educational justice, Elementary schools, Education, Students

© 2023 Journal of Mental Health in School (JMHS)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Arshadi, N. (2024). The Role of Elementary Schools in Achieving Gender Educational Justice in Iran's Educational System. *JMHS*, 2(3): 65-74.





نقش مدارس مقطع ابتدایی در دستیابی به عدالت آموزشی جنسیتی در نظام آموزشی ایران

نگار ارشدی^{۱*}، حنانه سلیمی^۲، شکبیا جوانمردی^۲

^۱ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه زهرا اصفهان
^۲ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه زهرا اصفهان
 * نویسنده مسئول: negararshadi2@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده

عدالت آموزشی یکی از بحث های اصلی در هر نظام آموزشی است و نقش مهم و قابل توجهی در رشد و توسعه کشورها و بهبود شاخص های برابری و تعالی انسان ها دارد. این پژوهش به روش توصیفی و از نوع کتابخانه ای و با هدف بررسی نقش مدارس مقطع ابتدایی در دستیابی به عدالت آموزشی جنسیتی در نظام آموزشی ایران انجام شده است. یافته های پژوهش بیانگر آن است که مدارس با حرکت به سمت هوشمند سازی، با ایجاد امکان تلفیق فناوری اطلاعات و برنامه های درسی و ایجاد امکان دسترسی به دنیایی از اطلاعات مرتبط درسی، عدالت محوری و کاهش نابرابری های جنسیتی و آموزشی در فرصت های تعلیم و تربیت، می توانند فرصت های لازم را برای تلاش دانش آموزان به صورت انفرادی و براساس توانایی های یادگیری، بوجود آورند.

واژگان کلیدی: عدالت آموزشی، مدارس ابتدایی، آموزش و پرورش، دانش آموزان

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه سلامت روان در مدرسه محفوظ است.

شیوه استناد به این مقاله: ارشدی، نگار و همکاران. (۱۴۰۳) نقش مدارس مقطع ابتدایی در دستیابی به عدالت آموزشی جنسیتی در نظام آموزشی ایران. فصلنامه سلامت روان در مدرسه، ۲(۳): ۶۵-۷۴.

مقدمه

امروزه آموزش به عنوان یکی از توانمندترین ابزار برای پیشرفت انسان ها و سازمان ها مطرح است. با توجه به سرعت جریان تغییرات و تحولات علمی، فنی و لزوم استفاده از نیروی انسانی با کیفیت، اهمیت و لزوم آموزش بیش از پیش مشخص می گردد. حق برخورداری از آموزش و پرورش به مفهوم برخورداری از آموزشی است که از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد و برخورداری یکسان همگان از آموزش و پرورش به منزله این که هر کس در داخل نظام آموزشی، فرصت و امکان توفیق

مساوی داشته باشد تلقی میشود. به همین جهت تمامی استراتژی که در زمینه ی همگانی ساختن آموزش و پرورش به کار می رود یک هدف را دنبال می کنند و آن برخورداری برای همگان از فرصت های آموزش با کیفیت مطلوب می باشد. بدین منظور تلاش می شود تا فرصت های آموزشی یکسان را برای گروه آموزشی مختلف لازم های تعلیم فراهم سازند و موانع و محدودیتهای طبقاتی منطقه ای و جنسیتی را از میان بردارند (محمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۸)

رواقیون همه انسانها برابرند(جمشیدی، ۱۳۸۰). عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق های متساوی؛ عدالت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان(مطهری، ۱۳۵۲).

McLeod (2010) عدالت را حیاتی ترین عامل نهادهای اجتماعی می داند و از آنجایی که آموزش و پرورش و مدارس جزء نهادهای اجتماعی هستند بحث عدالت در این محیط ها یک نکته کلیدی است. Robert (2017) عدالت را شاخص اصلی توسعه جوامع و نیاز درونی بشر و یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف آموزش و پرورش می داند. فراهم کردن فرصت های برابر و عادلانه آموزشی جزئی از عدالت آموزشی است و رسیدن به عدالت آموزشی برای تمام جوامعی که آموزش و پرورش را یک جزء مهم در زندگی افراد می دانند امری اصلی به شمار می رود (Levin, 2009)

مفهوم عدالت آموزشی نیز همواره و در همه اعصار مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت بوده است و آنان در طی زمان های مختلف تلاش نموده اند تا طراحی برنامه های درسی را به گونه ای انجام دهند که هرچه بیشتر به سمت نظریه های یادگیری مبتنی بر عدالت محوری سوق یابد. بر اساس ادبیات موجود، عدالت آموزشی به معنای حذف و یا کاهش تبعیض دسترسی به آموزش بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی و طبقه اجتماعی بوده و تعریف آن متناسب با نیازهای ویژه هر فرد با توجه به سطح دانش، مهارت، توانایی، پیشینه فرهنگی می باشد. عدالت آموزشی نقش مهم و قابل توجهی در رشد اقتصادی کشورها و کاهش فقر و بهبود شاخصهای برابری، تعالی انسانها و... دارد و این در حالی است که مسائل اقتصادی و فقر، سیاستهای آموزشی و مسائل فرهنگی از جمله موانع عدالت آموزشی و تحقق آن است (Day & et al, 2012)

اهمیت بیشتر عدالت آموزشی نسبت به عدالت در سایر حوزه ها به دلیل تأثیرگذاری آن در طول زندگی می باشد، زیرا عدالت آموزشی نقش اساسی در افزایش اعتماد به نفس، آینده شغلی، پایگاه اجتماعی و اجتماعی شدن افراد دارد. (محمدزاده، ۱۴۰۱) در این راستا اما بی شاپ مطرح می کند که بین فرصت های در دسترس آموزش برای مردان و زنان تفاوت های کلی وجود دارد. (مرادی، ۱۳۸۲) و استرم کوئیست در خصوص نابرابری های آموزشی مربوط به زنان می گوید: «برابری جنسیتی، زمانی در آموزش رخ می نماید که تبعیض جنسی، گفتارهای کلیشه ای جنسی و جدایی جنسی حذف گردد»(نبی زاده، ۱۳۸۴). Johnston معتقد است که ابعاد برابری فرصت های آموزشی، شامل موارد زیر می باشد: اول) برابری اجتماعی مختلف، دوم) برابری فرصت های آموزشی بین جنسیت های مختلف، سوم)

دستیابی به آموزش با رویکرد برابری فرصتها و عدالت آموزشی را می توان به عنوان هدف یا به عنوان وسیله ای جهت تحقق هدف بلندمدت برابری اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار داد. این هدف امروزه در سطح بین المللی پذیرفته شده است. در واقع مسأله عدالت آموزشی و تحقق آن، در سراسر جهان مسئله ای اساسی است(پوشنه و همکاران، ۱۳۹۷).

نگاهی گذرا به تلاشهای جهانی حاکی از آن است که تا به امروز اعلامیه ها، معاهده ها و کنوانسیون های فراوانی به منظور تأکید بر حق برخورداری افراد از آموزش اجباری، رایگان و حمایت از آنها در مقابل همه اشکال غفلت، بی توجهی و بی عدالتی در زمینه آموزش صادر شده است، اما شواهد حاکی از آن است که هنوز عدالت جنسیتی در دسترسی به آموزش حاصل نگردیده است، بدین جهت در سال ۲۰۰۰ در اجلاس جهانی آموزش در داکار سنگال کشورهای عضو (از جمله ایران)، متعهد به اجرای برنامه «آموزش برای همه» گردیدند، در این برنامه مقرر گردید تا سال ۲۰۱۵ عدالت جنسیتی در دسترسی به آموزش محقق گردد. (سند ملی برنامه آموزش برای همه، ۱۳۸۳) بلافاصله سند دیگری با عنوان آرمان ها و اهداف توسعه هزاره در سازمان ملل به تصویب اعضا (از جمله ایران) رسید که یکی از اهداف آن، حذف بی عدالتی جنسیتی در آموزش ابتدایی و راهنمایی تا سال ۲۰۰۵ و در تمام سطوح تحصیلی تا سال ۲۰۱۵ بوده است. البته بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت ایران موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند، اما نگاهی گذرا به برنامه های توسعه در ایران از جمله قانون برنامه های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ذیل مواد و تبصره های بخش آموزش و پرورش، مواردی که به صراحت بر موضوع عدالت جنسیتی در آموزش تأکید داشته باشد و راهبردهای مشخص برای آن ارایه نماید، وجود نداشته است.

چارچوب نظری

عدالت، یکی از اصطلاحات مبنایی سیاست و اخلاق است که با اهمیتی عالم گیر در همه نظریه های سیاسی و اجتماعی، نقش محوری دارد. اعتبار جهانی آن به توسعه مجموعه متنوعی از تحلیل ها و طرح های کاربردی انجامیده که دستیابی به تعریف واضح و دقیق درباره آن را دشوارتر کرده است (بیات و قاسمی، ۱۳۹۸). پیرامون مفهوم عدالت در طول تاریخ نظریه های گوناگونی تبیین شده است. فیثاغورث عدالت را رعایت حقوق افراد مطابق استعداد های طبیعی آن ها می داند؛ از نظر سقراط عدالت رعایت نوعی تناسب و هماهنگی است؛ از دیدگاه افلاطون عدالت نوعی تناسب و تعادل در امور است؛ به زعم

قابلیتهای فناوری اطلاعات و ارتباطات به نیازهای متنوع دانش آموزان پاسخ دهد.

پیشینه پژوهش

محمدزاده (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی عوامل تاثیرگذار بر تحقق عدالت آموزشی و شناسایی موانع عدم تحقق آن پرداخته و نشان داد تحقق عدالت آموزشی، زمینه ساز دسترسی راحت تر افراد به محیط ها و امکانات آموزشی شده و نهایتاً موجب افزایش انگیزه و امید به تحصیل میشود.

یافته های تحقیق پوشنه و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی تحقق فرصت های عادلانه ی آموزشی در مقطع ابتدایی شهر تهران بر پایه قانون برنامه پنجم توسعه کشور نشان داد توجه ویژه و عنایت به تفاوت های زبانی و قومی و مذهبی در شهر تهران با در نظر گرفتن کتب درسی ویژه برای هر یک از مناطق، باز بودن و گشاده بودن نظام آموزشی و مدارس به روی رسانه ها، نهادها و سازمان های ذی ربط در جهت همکاری تحقق فرصت های عادلانه ی آموزشی مقطع ابتدایی بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه کشور و هم چنین همکاری با مؤسسات مردم نهاد و ان جی اوها برای برگزاری کلاس ها در زمینه های قومیتی، فرهنگی، کودکان کار و بازمانده از تحصیل مانند صبح رویش می تواند در راستای تحقق فرصت های عادلانه آموزشی در مقطع ابتدایی شهر تهران بر پایه قانون برنامه پنجم توسعه کشور مثمر ثمر باشد.

شیرکرمی و خدادادی (۱۳۹۷) در تحقیقی به مطالعه وضعیت دسترسی به فرصت های آموزشی با تأکید بر دوره ابتدایی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که همچنان همه واجب التعلیمان، تحت پوشش آموزش رسمی و عمومی قرار ندارند. اگر چه در سال های اخیر دختران و پسران به طور نسبتاً برابری از فرصت های آموزشی برخوردارند اما نرخ های ثبت نام و پوشش تحصیلی برای دختران پایین تر از پسران بوده است و در این نرخ ها همچنان پسران نسبت به دختران برتری دارند.

حیدریه زاده و جباری فر (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی برابری فرصت ها و عدالت آموزشی و جنسیتی در نظام آموزش و پرورش پرداخته و نتیجه گیری کردند ارتقاء کیفیت آموزش در مدارس دولتی و کاستن نقش تعیین کننده معلم و امکانات آموزشی در موفقیت تحصیلی، می تواند روش مناسبی جهت رفع تبعیض ناشی از اختصاص نابرابر امکانات در نظر گرفته شود.

نتایج تحقیق آتشک (۱۳۹۱) در بررسی ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران حاکی از آن است که در مجموع در گروه های سنی تا ۳۴ سال در نقاط شهری در گروه های سنی تا ۳۹ سال و در نقاط روستایی در گروه های سنی تا ۲۴ سال، عدالت

برابری فرصت های آموزشی در بین طبقات فرصت های آموزشی برای اقوام و نژادهای مختلف یک جامعه، چهارم) برابری فرصت های آموزشی برای مناطق شهری و روستایی و ... (اسماعیل سرخ، ۱۳۸۶)

اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش درباره رابطه جنسیت و آموزش، دیدگاههایی متفاوت و گاهی متضاد دارند. برخی از کارشناسان، تفاوت های بیولوژیک میان زن و مرد را ناچیز و کم اثر می دانند و معتقدند تفاوت های جنسیتی، محصول فرهنگ های مردسالار است و نظام آموزشی نباید این تفاوتها را مبنایی برای تمایز میان دختران و پسران قرار دهد. گروه بیشتری از کارشناسان معتقدند که تفاوت های جنسیتی میان دختر و پسر کم و بیش منشأ زیست شناسانه دارد، اما نباید این تفاوت مبنای تمایز در نظام آموزشی قرار گیرد (صمدی، ۱۳۸۴). برخی دیگر از کارشناسان، تفاوت های جنسیتی را دارای منشأ تکوینی می دانند و بر این باورند که نظام آموزشی باید متناسب با این تفاوتها و متناسب با انتظارات و مسئولیتهای ویژه هر یک از زن و مرد، رنگ و بوی جنسیتی یابد. در این دیدگاه، جنسیت را متغیری مهم در نظر می گیرند که بر موقعیت، تجربه ها و احساسات دانش آموزان تأثیر می گذارد. از دید حامیان این نظریه، بی توجهی به جنسیت در برنامه ریزی و سیاست گذاری آموزشی باعث می شود که مسائل خاصی که دختران و پسران دانش آموز با آن مواجه اند از نظر دور بماند.

عدالت در آموزش یکی از بحث های استراتژیک نظام تعلیم و تربیت است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم مورد تأکید قرار گرفته است و منفعت آن به دانش آموزان، اولیا، معلمان و تمام کارکنان مدارس برمی گردد که این گروه ها بخش عمده ای از جامعه را شامل می شوند. هم چنین دانش آموزان امروز، آینده سازان کشور هستند و هرگونه سرمایه گذاری برای بهبود وضعیت آموزش آن ها مستقیماً در آینده کشور تأثیر دارد. از این رو همه محیط ها و نظام های آموزشی نقش خطیر خود را در آماده کردن کودکان برای ورود به جامعه و بازار کار پذیرفته اند و برای رسیدن به این هدف، مدارس نقش مهمی را در فراهم کردن فرصت های برابر و عادلانه آموزشی و آموزش مهارت ها دارند. در این راستا هوشمندسازی را می توان نوعی اصلاح فرآیند مدارس تلقی کرد که در راستای تحقق عدالت آموزشی به کار گرفته میشود. هرگونه اصلاح اثربخش در مدارس باید مؤلفه های پنجگانه مانند؛ ساختار مدرسه، برنامه درسی رسمی، شیوه های آموزش، روشها و رویکردهای ارزشیابی و نحوه مدیریت مدارس را مدنظر قرار دهد (Sanchez et al, 2011). از این رو برنامه هوشمندسازی مدارس ایران بر اساس راهبردها و شیوه نامه های آن طراحی است که تلاش می کند تا با استفاده از

خانواده، اجتماع، ایدئولوژی، سیاست و ملیت دارد و خانواده با آموزش و ارزشگذاری‌های نقشها و جایگاه‌ها برای هر جنس، نقشی مهم در انتقال و درونی کردن مردسالاری دارد. دیلاسندر معتقد است نظام‌های آموزشی بازتاب فرضیات مردانه درباره جهان بوده است، به طوری که در این نظام‌های آموزشی دختران می‌آموزند که هنرمندان، نویسندگان، جامعه‌شناسان بزرگ همگی مرد بوده و در تمامی حوزه‌های دانش آنها برتری دارند، و حتی رشته‌های آموزشی که برچسب زنانه و مردانه دارند قابل لمس است. (علی پور و همکاران، ۱۳۹۰) مطرح می‌کند که گاهی تبعیض جنسیتی به نقش‌های جنسی و اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند، به طوری که در بسیاری از فرهنگ‌ها هنوز این اعتقاد وجود دارد که جای زنان در خانه است و زنان فقط در نقش مادران و خانه‌داری باید ظاهر شوند و مدارس به عنوان جوامع کوچک که تابعی از جامعه بزرگ‌تر خویش هستند اختلافات جنسی را در غالب کتابهای درسی و رفتارهای متقابل فراگیران و مربیان شکل می‌دهند به طوری که رفتارهای معلمان به طور ضمنی پیامهای جنسیتی را منتقل می‌کنند.

تبعیض در آموزش به معنای دسترسی نداشتن یکسان به امکانات آموزشی، برای زنان و مردان است. این نوع تبعیض سبب کاهش متوسط سرمایه انسانی در جامعه شده و به عملکرد اقتصاد صدمه وارد می‌کند. حذف دختران با توانایی بیشتر و جذب پسران با توانایی کمتر به صورت جایگزین، سبب کاهش نرخ بازگشت آموزش می‌شود. باید اشاره کرد که آموزش زنان دارای اثرات جانبی بالایی برای سایر متغیرهای اثرگذار بر روی رشد اقتصادی نیز هست؛ از جمله این متغیرها، می‌توان به شاخص‌های «میزان آموزش نسل بعد»، «نرخ باروری» و «مرگومیر کودکان» اشاره کرد. همچنین در بسیاری از کشورهای درحال توسعه و صادرات‌محور، افزایش تحصیلات زنان می‌تواند زمینه‌ساز استفاده هرچه بهتر و موثرتر از مزیت صادرات باشد.

همچنین این نظر وجود دارد که شکست بازار سبب ایجاد محدودیت در آموزش دختران شده که با روند توسعه، این محدودیت‌ها مرتفع شده است و داشتن تشکیلات مشوق تحصیلات دختران (در جهت عکس موارد شکست بازار) یک بازی برد-برد برای زنان و اقتصاد است. نکته مهم، درک رابطه منطقی و متقابل بین برابری‌های جنسیتی و پیشرفت است. تحصیلات بیشتر زنان سبب افزایش درآمد ملی شده و درآمد بیشتر، سبب هدایت به سمت برابری بیشتر در آموزش و سایر جنبه‌ها می‌شود.

بسیاری از اقتصاد دانان بیان می‌کنند که افزایش سطح تحصیلات زنان از دو مجرای مختلف می‌تواند روی رشد

جنسیتی در آموزش وجود دارد و بیشترین بی عدالتی‌های آموزشی در گروه‌های عمده سنی بالاتر از ۳۵ سال مشاهده می‌شود. همچنین تحلیل مقاطع مختلف تحصیلی اشاره به آن دارد که در مقطع ابتدایی عدالت جنسیتی در آموزش حاصل شده است و در مقاطع راهنمایی، متوسطه و آموزش عالی، بی عدالتی به ضرر دختران و تنها در دوره پیش دانشگاهی بی عدالتی به ضرر پسران وجود دارد. بررسی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد در زمینه عدالت جنسیتی در آموزش پژوهش‌های متعددی صورت گرفته و همگی بر وجود نابرابری جنسیتی در آموزش اذعان داشته‌اند. در این پژوهش اما به بررسی نقش مدارس در کاهش این نابرابری پرداخته شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مدارس مقطع ابتدایی در دستیابی به عدالت آموزشی جنسیتی در نظام آموزشی ایران به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه‌ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب، مقالات و پایان نامه‌ها می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

یکی از مسائل اساسی در جامعه شناسی، نابرابری اجتماعی می‌باشد که بیشتر مباحث آن در طبقه اجتماعی متمرکز است. بیش از ۳۰ سال است که جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که جنس و نژاد در ساخت نابرابری سهمیم است و حتی گفته‌اند که حضور زنان در فرایند، مطالعه قشربندی اجتماعی در تفکرات جامعه شناختی، جریانی مردانه بوده است. توسعه در راستای نظریه برابری مطرح می‌شود. فرض مهم در نظریه‌های برابری این است که نابرابری‌های موجود در بین زنان و مردان در تقسیم منابع و منافع به این دلیل نیست که آنان تفاوت‌های طبیعی مهمی دارند، بلکه زنان در موقعیتهای نابرابری قرار گرفته و سازمان جامعه در این نابرابری نقش اساسی دارد، بنابراین دگرگون ساختن موقعیتهای زنان امکان پذیر است.

Wollstone Craft شاید نخستین کسی است که از واژه « نابرابری جنسیتی » استفاده نموده است. از نظر کرافت تفاوت‌های بین دو جنس نشأت گرفته از اجتماع است و نه به صورت طبیعی بلکه از طریق اجتماع رخ داده است. او بر این اعتقاد است که استبداد و اقتدارگرایی مردسالارانه منشأ این نابرابری‌ها به شمار می‌رود و در نظام‌های مردسالارانه، افراد می‌آموزند که به دیگران و خصوصاً زنان به دیده تحقیر بنگرند. نظام مردسالارانه ریشه در

فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و ضرورتی انکار ناپذیر با هدف اجرای پیشرفته ترین روش‌های مدیریتی و آموزشی و نگاه علمی و فناورانه به وضعیت کنونی نظام آموزشی کشور است که اعمال تغییرساختار و معماری اجرایی در آنها باعث افزایش بهره‌وری و مدیریت زمان برای مدیران، کارکنان، معلمان، دانش‌آموزان و همچنین اولیای دانش‌آموزان خواهد بود. (قاسمی، ۱۳۹۵)

تکیه مدارس هوشمند بر پایه فناوری اطلاعات و ارتباطات منجر به تغییر ماهیت اجرایی بسیاری از فرایندهای موجود در مدارس می‌شود. با توجه به اینکه بسیاری از فرایندها به صورت خودکار و آنلاین انجام می‌شوند، ارتباطات آسان گشته و بار بسیاری از فعالیت‌های زمانبر از روی دوش پرسنل مدرسه، والدین و دانش‌آموزان برداشته شده که منجر گردیده تا افراد بتوانند زمان و هزینه خود را بر روی کارهای مهم‌تری اختصاص دهند و بدین صورت بهره‌وری فرایند آموزش و پرورش را به میزان قالب توجهی بهبود بخشند. تمامی این عوامل باعث می‌شود مدارس جهت ارتقای آموزش و پرورش به سمت هوشمندسازی گام بردارند. از جمله اهداف هوشمندسازی مدارس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تسهیل کنترل بخش‌های مختلف مدرسه و ارتقا کیفیت مدیریتی
۲. فراهم نمودن بستری برای یادگیری بدون محدودیت مکانی و زمانی
۳. پیشرفت قابل توجه محصلین در فراگیری مطالب درسی
۴. ارتباط آسان بین عوامل مختلف اعم از معلمان، دانش‌آموزان، والدین و مدیران مدارس
۵. خودکارسازی بسیاری از فرایندهای زمانبر
۶. افزایش رضایتمندی و اعتماد بین عوامل
۷. بهبود مستندسازی و بایگانی مدارک موجود

ویژگی‌های مدارس هوشمند

به طور خلاصه می‌توان ویژگی‌های نظام مدارس هوشمند را به صورت زیر ارائه کرد: (بیدگلی و همکاران، ۱۳۹۷)

۱. محیط یاددهی - یادگیری مبتنی بر محتوای چند

رسانه‌ای

در مدارس هوشمند معلمان برای تدریس مطالب درسی و افزایش میزان درک دانش‌آموزان از مطالب ارائه شده و تشویق ایشان به فراگیری دروس از اسلایدهای آموزشی، بازی‌های یارانه‌ای، انیمیشن و دیگر محتوای چندرسانه‌ای در کلاس

اقتصادی اثرگذار باشد؛ اول از طریق کاهش باروری‌های ناخواسته؛ دوم از طریق افزایش بهره‌وری در کارهای بادمزدم و بی‌دستمزد برای زنان. این دو عامل، دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی است ولی اگر زنان تحصیل کرده به مشاغل پایین‌تر که نیاز به تحصیلاتشان ندارند به کار گمارده شوند، این اثر افزایش بهره‌وری کل، خنثی خواهد شد. برخی دیگر نیز بیان می‌دارند که اثرگذاری میزان تحصیلات زنان از دو بُعد دارای اهمیت است: اول اینکه تبعیض در شانس دسترسی دختران و پسران به تحصیلات، سبب می‌شود که نرخ بازگشت آموزش دختران از پسران بالاتر باشد. این موضوع در نهایت کاهش سرمایه انسانی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت؛ دوم اینکه تحصیلات بیشتر برای زنان سبب کاهش مرگ‌ومیر کودکان و افزایش سطح آموزش نسل بعد خواهد شد (کاوه، ۱۳۹۴)

نقش مدارس در تحقق عدالت آموزشی

با توجه به اهمیت آموزش عمومی و به خصوص آموزش پایه (مقطع ابتدایی) می‌توان گفت منظور از فرصت‌های آموزشی برابر، به معنی داشتن شانس مساوی کلیه لازم‌التعلیمان (اعم از دختر و پسر و شهری یا روستایی) برای ورود به نظام آموزشی و برخورداری از معلمان، امکانات و فضاهای آموزشی مناسب است. عدالت آموزشی زمانی در محیط‌های یادگیری اتفاق می‌افتد که یادگیرندگان از طریق درون‌دادها و فرایندها در مدارس، بتوانند اهداف علمی، اجتماعی، اعتقادی و آموزشی را کسب کنند.

از آنجا که در حال حاضر معلم محوری پایه آموزش و پرورش در کشور می‌باشد، به روزکردن مدارس، استفاده از فناوری‌های روز، برخورداری از خلاقیت‌های جدید در آموزش و پرورش و اهمیت دادن به توانایی‌های دانش‌آموزان، لازمه این تحول می‌باشد. واژه مدارس هوشمند چندی است در ادبیات آموزش و پرورش کشور وارد شده است و فعالیت‌های ارزشمندی نیز به صورت پراکنده در این حوزه انجام شده است. وزارت آموزش و پرورش با الهام از آموزه‌های دینی و مقتضیات زمانی و دستیابی به اهداف عالی نظام تعلیم و تربیت و گسترش عدالت آموزشی، اقدام به تعریف ساختار، جایگاه، ساماندهی، شرایط و ضوابط توسعه مدارس هوشمند بر اساس معیارهای علمی، بین‌المللی و شرایط بومی در سطح کشور نموده است. از این رو برای نیل به این هدف، نیاز به همتی مضاعف داشته که از جمله عوامل اصلی آن می‌توان به تغییرنگرش در شیوه آموزش و مدیریت مراکز آموزشی و پرورشی و نیز تأمین زیرساخت‌ها نمود.

هوشمندسازی مدارس یک اقدام مدبرانه در راستای سند چشم‌انداز نظام، تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند توسعه

درس بهره می برند. در کنار این سیستم ها، معلمان می توانند از نرم افزارهای آموزش الکترونیک نیز بهره بگیرند.

۲. زیرساخت توسعه یافته ی فناوری اطلاعات :

مدارس هوشمند به مدرسی اطلاق می شود که رایانه برای کلیه دانش آموزان فراهم باشد و این رایانه ها به کمک شبکه مرکزی به هم متصل باشند. علاوه بر شبکه، این رایانه ها باید به شبکه بین المللی اینترنت نیز متصل باشند تا امکان دسترسی دانش آموزان به مطالب درسی جدید نیز فراهم باشد.

۳. مدیریت مدرسه توسط سیستم های یکپارچه رایانه ای :

امروزه سیستم های اطلاعاتی جزء جدانشدنی مدیریت و اداره کسب کارها به شمار می روند و هرگونه سازمانی برای ثبت، پردازش و ذخیره اطلاعات خود از این سیستم ها بهره می گیرند. برای اینکه سیستم های اطلاعاتی در کل سازمان بتوانند از کارایی و اثربخشی مناسب برخوردار باشند، لازم است تا با یکدیگر ارتباط داشته، داده های مشترک مبادله کند. این موضوع در مدارس نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۴. برخوردای از معلمان آموزش دیده در حوزه فناوری اطلاعات :

بدون وجود آموزگاران که به قابلیت های فناوری اطلاعات تسلط داشته باشند، نمی توان از این ابزار در آموزش دانش آموزان و مدیریت مدارس بهره گیری نمود. مدارس هوشمند مدرسی به شمار می روند که کلیه معلمان آنها در دوره های آموزشی ICDL شرکت نموده و مدارک معتبر را دریافت کنند.

۵. ارتباط یکپارچه رایانه ای با مدارس دیگر :

مدارس هوشمند با یکدیگر در ارتباط بوده، معلمان و دانش آموزان این نوع از مدارس می توانند تجارب و داده های خود را با یکدیگر و سازمان های ذینفع به صورت الکترونیکی مبادله کنند. پلت فورم سیستم های مورد استفاده در مدرسه هوشمند به نحوی طراحی شده است که می توانند به راحتی با سیستم های دیگر هماهنگ شود و داده ها را تحت یک قالب استاندارد به یکدیگر به اشتراک بگذارند.

مدارس هوشمند به کمک برنامه های درسی انعطاف پذیر، امکان تدریس با شیوه های نوین، داشتن طیف وسیعی از برنامه ها و روش های آموزشی، و محوریت بخشیدن به نقش دانش آموز، میتوانند در از بین بردن یا کاهش شکاف آموزشی مؤثر باشند. جامعه اطلاعاتی آینده، نیازمند افرادی است که بتوانند فناوری

اطلاعات را خلاقانه در جهت رشد و توسعه به کار برند. مدارس هوشمند نیز عمدتاً در جهت تأمین این نیازها برنامه ریزی شده اند، چرا که در این مدارس دانش آموزان می آموزند که چگونه اطلاعات موردنظر خود را استخراج کنند، چگونه در مورد آنها بیا ندیشند و چگونه حاصل یافته های خود را برای حل مسائل و توسعه و پیشرفت به کار گیرند (ناصری و مشهدیان، ۱۳۹۰) برنامه ریزان درسی باید فناوری را به عنوان یک محیط جدید برای یادگیری در نظر داشته باشند. در محیط جدید یادگیری برای آنکه دانش آموزان به یادگیری در حد تسلط برسند، تا جایی که بتوانند آنچه را که آموخته اند، در مرحله عمل به کار گیرند، باید برنامه های درسی را بر اساس توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان طراحی کرد.

انصاری و رجبی (۱۳۹۵) جنبه های عدالت آموزشی را در مقاله خود از (1971) John Rawls نقل می کنند. از نظر Rawls عدالت آموزشی دارای سه بعد است که عبارتند از: برابری در منابع فیزیکی، برابری هایی در روابط سیاسی و برابری منابع برنامه درسی.

اسلامی هرندی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود سه مؤلفه فراگیر عدالت آموزشی را به این شکل بیان کرده اند:

۱- بسترسازی عادلانه توزیع منابع شامل مضامین سازمان دهنده مشارکت جمعی، تصمیم سازی عادلانه، همه جانبه نگری برنامه درسی.

۲- بهره مندی عادلانه از منابع شامل مضامین سازمان دهنده شایسته سالاری، پوشش دادن همه مخاطبان، توجه به وضعیت بهداشتی یادگیرندگان، مدیریت بهینه منابع، بهسازی مدارس.

۳- شایسته پروری شامل مضامین سازمان دهنده، توانمندسازی یادگیرندگان، بهبود فرآیند ارزشیابی، ارتقای کیفیت آموزش و تعامل منصفانه.

همان طور که در پیش گفته شد مدرسه هوشمند در واقع مدرسه ای است که کنترل و مدیریت آن مبتنی بر فناوری اطلاعات رایانه و شبکه باشد به گونه ای که در جهت فرآیند یادگیری و بهبود مدیریت به صورت سیستمی نظام یافته سازمان دهی شود تا کودکان و دانش آموزان را برای عصر اطلاعات آماده سازد. براساس این طرح هوشمندسازی مدارس، طرحی ملی است که تلاش می کند کلیه فرآیندهای آموزشی و اداری مدارس کشور را به صورت نظام یافته با استفاده از فناوری های نوین ارایه کند.

با توجه به این تعریف رشد همه جانبه دانش آموزان چه از نظر ذهنی، جسمی و یا عاطفی و روانی، ارتقاء توانایی ها و قابلیت های فردی، تربیت نیروی انسانی متفکر و آشنا به فناوری می تواند از جمله مهم ترین اهداف و مزایای هوشمند سازی مدارس

گسترده‌تری وسیع در این حوزه لزوم به کارگیری این روش آموزشی را بیش از پیش تبیین می‌کند، ضمن اینکه؛ به نظر می‌رسد بستر فوق بتواند بهترین پل ارتباطی بین وزارت آموزش و پرورش و دبیران نیز باشد. هوشمندسازی علاوه بر کمک به دانش آموز می‌تواند در خصوص ارتباط والدین با معلم، ارتباط با مدرسه، اطلاع دقیق و آنلاین از آخرین وضعیت پیشرفت تحصیلی و تکالیف، جمع‌آوری کانال‌های متعدد تلگرامی بین معلمان و مدارس با والدین، تهیه آرشیو کاملی از اطلاعات با قابلیت به اشتراک‌گذاری تجربیات بین دبیران کشور، دریافت گزارشات روزانه از میزان مطالعه و انجام تکالیف دانش آموز و دسترسی به اینترنت پاک و کنترل شده نیز کاربرد داشته باشد. به ویژه مزایای اینگونه طرح‌ها در دوره‌ای از زمان که دسترسی به اینترنت و فضاهای مجازی، کنترل فرزندان و کنجکاوی آنها از دغدغه‌های ذهنی خانواده‌ها است، به راحتی می‌تواند لزوم تحقق آنها را مشخص کند.

بحث و نتیجه‌گیری

شرط لازم برای دسترسی به جامعه‌ای متعالی، پویا و توسعه‌یافته، تأمین و بروز مقوله عدالت است. هر قدر پدیده عدالت بیشتر تعمیم یابد و برای گسترش و بسط آن هم‌اندیشی شود، قطعاً به جامعه‌ای پایدار و توسعه‌یافته‌تر منجر می‌شود. عدالت آموزشی همواره و در همه‌ی اعصار مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت بوده است و آنان همواره تلاش کرده‌اند، طراحی برنامه‌های درسی را به‌گونه‌ای انجام دهند که هر چه بیشتر به سمت نظریه‌های یادگیری مبتنی بر عدالت محوری سوق یابد. نظر به پیشرفت‌ها و تغییرات سریع دنیای کنونی، لزوم فراهم آوردن امکان دسترسی همگانی (فارغ از نوع جنسیت) به آموزش امری لازم و ضروری است. بنابراین در همه فعالیت‌های مربوط به مرحله تدوین و طراحی برنامه از قبیل انتخاب اهداف، خط مشی‌ها (استراتژیها)، تعیین اولویتها و تهیه و تدوین برنامه و تصویب آن باید تلاش شود تا برنامه به برابری فرصتها برای دختران و پسران و رفع محرومیتها و شکاف‌های جنسیتی منجر شود. برای اجرای کارآمد برنامه درسی عدالت محور، هوشمندسازی مدارس از جمله راهکارهاست. مدارس هوشمند به دلیل برنامه‌های درسی انعطاف‌پذیر، امکان تدریس با شیوه‌های نوین، داشتن طیف وسیعی از برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و محوریت بخشیدن به نقش دانش آموز با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی و توجه بیشتر به نیازها، و علایق و استعدادها دانش آموز می‌تواند در جهت از بین بردن و یا کاهش شکاف آموزش نسبت به استعداد دانش آموزان اقدام کند.

در محیط آموزشی به سبک فناوری جدید باشد. به بیان دیگر، در آموزش و پرورش نوین که از آن به هوشمندسازی مدارس یاد می‌شود، روش‌های سنتی یاددهی و یادگیری متحول شده و خلاقیت و تفکر جای بسیاری از موارد تکراری را خواهند گرفت. از سوی دیگر توجه به این نکته حائز اهمیت است که سطح و گستردگی دسترسی به اطلاعات با هر شیوه مورد پسند و قابل درک دانش آموز در هر مقطع تحصیلی در مدرسه هوشمند با مدارس عادی تفاوت می‌کند. لذا به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت این موضوع، فرهنگ سازی و آموزش اولیه مربیان و کادر مدرسه می‌تواند از مهمترین پیش زمینه‌های اجرای این طرح قلمداد شود. ضمن اینکه، فرآیند هوشمندسازی مزایای بسیاری را برای مدارس دارد که از آن جمله می‌توان به توسعه تفکر خلاق و پرورش ایده‌ها، ارتقای تعامل بین مدرسه، دانش آموز و اولیا، افزایش فرصت‌های آموزشی، دسترسی عادلانه و انعطاف‌پذیر به آموزش و فراهم‌شدن شرایط تولید دانش در کلاس‌های درس اشاره کرد. علاوه بر موارد ذکر شده، هوشمندسازی مدارس به ارتقای علمی دانش آموزان نیز کمک می‌کند، چراکه، تجهیزات موجود و فضای حاکم موجب به کارگیری توانمندی‌های مربیان، معلمان و اولیا برای شکوفا شدن هر چه بهتر استعدادهای دانش آموزان می‌شود. بنابراین، برای ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی کشور راهی به جز هوشمندسازی مدارس با توجه به محدودیت در منابع مالی، گستردگی مطالب و تغییر محتویات کتاب‌های درسی با حذف خلاقیت و مهارت آموزی وجود ندارد. چراکه، این فرآیند در دراز مدت موجب پیدایش عدالت آموزشی، توزیع و دسترسی یکسان به منابع آموزشی، سوق دادن مدارس به سمت آموزش‌های کاربردی و عملی به جای فعالیت‌های تئوری خواهد شد (رضائی، ۱۳۹۷)

مدارس هوشمند در کنار استفاده از امکانات فیزیکی و سنتی کلاس با استفاده از فناوری اطلاعات و بستر شبکه، محتویات جامع تری را به اشکال مختلف در دسترس دانش آموزان قرار می‌دهند. دسترسی به دنیایی از اطلاعات مرتبط درسی، کنجکاوی و علاقه مندی به مطالعه بیشتر، عدالت محوری و کاهش نابرابری‌ها در فرصت‌های تعلیم و تربیت و در نهایت سوق دادن نظام آموزشی کشور به سمت شعار "تحقق تعلیم و تربیت تمام ساحتی با کیفیت و عدالت همراه با برنامه محوری" در مدارس از دیگر مزایای هوشمندسازی مدارس است.

از سوی دیگر مشکلاتی چون تغییر محتویات کتاب‌های درسی در سال‌های اخیر و بیگانگی والدین با سبک جدید آموزش و کتب جدید، تخصیص زمان کمتر توسط والدین برای فرزندان، ضعف آموزش و پرورش در آموزش معلمان به صورت منظم و

- engineering, science and technology. [Persian]
- Heydarihzadeh, B., & Jabarifar, T. (2014). Examining equality of opportunities and educational and gender justice in the education system, the second national conference on strategies for the development and promotion of educational sciences, psychology, counseling and education in Iran, Tehran. [Persian]
- Ismail Sorkh, J. (2007). Educational inequalities and spatial inequalities in the ethnic and regional dimensions (a case study of the elementary school of West Azarbaijan province) in the academic year 81-80, *Education Quarterly*, year 23, number 53. [Persian]
- Jamshidi, M.H. (2001). The theory of justice from the point of view of Farabi, Imam Khomeini and Martyr Sadr. Tehran: Research School of Imam Khomeini (RA) and the Islamic Revolution. [Persian]
- Kaveh, S. (2014). Educational justice and gender, economic supplement of Shargh newspaper. [Persian]
- Levin, H.M. (2009). The economic payoff to investing in educational justice. *Educational Researcher*, 38(1), 20-5
- Mohammadi Mehr, M., Khosravi, M., Shahmoradi, M., & Sheikhi, S. (2018). Educational Equality: The Unfinished Puzzle of Education in the 21st Century, *Journal of Educational Studies*, Center for Studies and Development of Medical Education, Army University of Medical Sciences, 8th year, 1st issue. [Persian]
- Mohammadzadeh, R. (2022) Educational Justice: Factors affecting its realization and identifying obstacles to non-realization, Second National Conference of Applied Studies in Education and Training Processes, Hormozgan. [Persian]
- Moradi, M. (2003). Examining the educational opportunities of the first secondary school and the factors related to it in the educational areas of Zanjan province, *فهرست منابع*
- Alipour, V., Tavakoli, S., & Sarmadi, M. R. (2011). A study on how gender equality in education and promotion of psychological security of women in Iranian society through virtual education, *social psychology researches*, 1(4). [Persian]
- Ansari, M., & Rajabi, M. (2015). An analysis of the components of educational justice according to John Rawls. The National Conference of the Philosophy of Education Association of Iran (philosophy of education and the realm of social and human sciences). SID. <https://sid.ir/paper/852241/fa>. [Persian]
- Atashek, M. (2011). Evaluation of gender justice in Iran's educational system. *Women in Development and Politics (Women's Studies)*, 10(4(39)), 127-151. [Persian]
- Bayat, A., & Ghasemi, M. (2019). "Conceptualization of justice in Iran's educational system: a case study of pre-university textbooks", *Majles and Strategy Quarterly*, Vol. 100, pp. 7-46. [Persian]
- Bidgholi, Z.A., Nowrozi, D., & Maghami, H. R. (2017). The effect of school smart technologies on students' morale. *Innovation and creativity in humanities*, 7(4), 241-262. [Persian]
- Day, A., Riebschleger, J., Dworsky, A., & Damashek, A. (2012). Maximizing educational opportunities for youth aging out of foster care by engaging youth voices in a partnership for social change. *Children and Youth Services Review*. 34(5), 1007-1014.
- Eslami Harandi, F., Karimi, F., & Nadi, M.A. (2018). Identifying the components of educational justice in Iran's education. *Research in educational systems*, 13(47), 55-75. SID. <https://sid.ir/paper/137497/fa>. [Persian]
- Ghasemi, P. (2015). The effect of smartening schools on the effectiveness of research-based teaching of experimental sciences. *International research conference in*

- Samadi, M. (2005). Examining the beliefs of Harizan Darsi curriculum about girls and boys in the cognitive field. *Women's Studies Quarterly*, 3 (8). [Persian]
- Sanchez, J. Salinas, A. & Harris, J. (2011). Education with ICT in South Korea and Chile. *International Journal of Educational Development (IJED)*. 31(2), 126-148.
- Shirkarmi, J., Khodadadi, Q. (2017). Studying the state of access to educational opportunities with an emphasis on the primary period, *Journal of New Developments in Psychology, Educational Sciences and Education*, Year 1, Number 3. [Persian]
- The national document of the education program for all. (2004). Tehran: Ministry of Education. [Persian]
- Education Research Council of Zanjan province. [Persian]
- Motahri, M. (1973). *divine justice* Tehran: Sadra. [Persian]
- Nabizadeh Sarabandi, S. (2005). Injustice in the educational opportunities of Sistan and Baluchistan Province, *Journal of Women's Research*, 5(5), 135. [Persian]
- Naseri, M. and Mashhadian, F. (2011). Iranian Smart Schools and Quality, *Farda School Magazine*, 7, 29. [Persian]
- Pushneh, K., Nobakht, MB, Hosseinzadeh, M. (2018). Examining the realization of fair educational opportunities in the elementary school of Tehran based on the law of the fifth development program of the country. *Management and planning in educational systems*, 12(2), 157-180. [Persian]
- Rezaei, K. (2017). Making schools smarter, the key to realizing educational justice, <https://arvandfreezone.com/ict/archive/4284>. [Persian]